



Rethinking the Social Roots of Iranian Foreign Policy in the Qajar Era: The Tobacco Boycott

Naser Pourhassan*

Abstract

The complete monopoly of the tobacco trade in Iran was granted to Major Gerald F. Talbot for 50 years in 1890. This concession was bestowed upon a British citizen and, in fact, upon the British government within the framework of the positive balance policy during the reign of Nasser al-Din Shah Qajar. Given the position of the tobacco industry in the socio-economic structure of Iran during the Qajar era, which encompassed a quarter of Iran's population of -about ten million-, it faced widespread reaction from the Iranian people. Consequently, this event has become a pivotal moment in Iran's political history. The tobacco affair is not only significant in the domestic politics of contemporary Iran and is regarded as one of the roots of the Islamic Revolution, but it also merits serious consideration in the field of theoretical studies of foreign policy in political science in Iran and much of the world. This article will examine the tobacco affair as a political phenomenon that occurred 135 years ago. The main question of the article is: "Which foreign policy sources played a more decisive role in the occurrence of the tobacco affair?" The article's hypothesis is as follows: "The tobacco affair, in contrast to "sanctions," which are a tool of foreign policy of governments, can be analyzed under the title of "boycott." The refusal's outcome is rooted in specific collective action networks and social forces guided by the religious authority, which were implemented during the Qajar dynasty as a component of foreign policy. The article's findings, derived from a qualitative research method, do not merely involve a substitution of the term "sanctions" with "boycott." Rather, they provide a comprehensive explanation and analysis of a national or social variable in Iranian foreign policy that has historically been overlooked in foreign policy studies on Iran and other analogous countries. The clerical establishment, under the leadership of the religious authority, played a pivotal role in this dynamic.

Keywords: Boycott, Fatwa , Mirzai Shirazi, Sanctions, Talbot.

* Associate Professor of Political Science, Faculty of Humanities, Ayatollah Borujerdi University, Borujerd, I.R.Iran.
Na.pourhasaan@abru.ac.ir

دو فصلنامه علمی «دانش سیاسی»، مقاله پژوهشی، سال بیستم و یکم، شماره دوم (پیاپی ۴۲)، پاییز و زمستان ۱۴۰۴، صص. ۳۳۱-۳۵۶
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۴
مقاله برای بازنگری به مدت ۴۵ روز نزد نویسنده بوده است.

بازاندیشی در منابع اجتماعی سیاست خارجی ایران عصر قاجار: مورد مطالعه جنبش بایکوت تنباکو

ناصر پورحسن*

چکیده

ماجرای تنباکو، نه تنها در عرصه سیاست داخلی ایران معاصر مهم است و به عنوان یکی از ریشه‌های انقلاب اسلامی محسوب می‌شود بلکه در حوزه مطالعات نظری سیاست خارجی نیز حائز اهمیت جدی است. این مقاله با روش اکتشافی به بازکاوی ماجرای تنباکو به عنوان یک پدیده سیاسی که ۱۳۵ سال پیش رخ داده، پرداخته است. پرسش اصلی مقاله عبارت است از: «کدام یک از منابع سیاست خارجی در وقوع ماجرای تنباکو نقش تعیین‌کننده‌تری ایفا کردند؟» فرضیه مقاله این‌گونه صورت‌بندی شده است: «ماجرای تنباکو، برخلاف «تحریم» که ابزار سیاست خارجی دولت‌هاست، ذیل عنوان «بایکوت» قابل تحلیل است؛ زیرا حاصل امتناع مبتنی بر کنش جمعی و شبکه‌ای از نیروهای اجتماعی به رهبری مرجعیت دینی است که ذیل عنوان متغیر اجتماعی یا ملی در سیاست خارجی در دوره قاجار انجام شده است». یافته این مقاله، صرفاً تغییر کلمه «تحریم» به «بایکوت» نیست بلکه تبیین و برجسته‌سازی متغیر ملی یا اجتماعی در سیاست خارجی ایران در بیش از یک قرن پیش است که در مطالعات سیاست خارجی در مورد ایران و سایر کشورهای مشابه، مغفول واقع شده است.

واژگان کلیدی: بایکوت، تالبوت، تحریم، فتوا، میرزای شیرازی.
پژوهش‌های علمی در مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

بیان مسئله: مطالعه سیاست خارجی به مثابه یکی از حوزه‌های مهم علوم سیاسی، به دلیل تأثیرگذاری آن بر منافع ملی یک کشور و نیز پیامدهای احتمالی آن بر دیگر کشورها، بسیار اهمیت دارد. چون سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی یک کشور محسوب می‌شود، از این رو، شناخت منابع یا متغیرهای تأثیرگذار بر تدوین و اجرای آن، ضروری است.

اهمیت: در حوزه مطالعات سیاست خارجی ایران، دو کاستی اساسی وجود دارد: نخست آنکه نقش ایران در سیاست بین‌الملل به عنوان یکی از بازیگران و قدرت‌های سیاسی کوچک پس از صفویه و به ویژه در دوره قاجار، نادیده گرفته شده است. این غفلت از رویکرد و رهیافت‌های متدولوژیک کلان حاکم بر مطالعات سیاست خارجی نسبت به همه قدرت‌هایی که بزرگ تلقی نمی‌شوند، ناشی می‌شود. اصولاً نظریه‌پردازان برای سیاست خارجی کشورهای کوچک، اصالتی قائل نبودند و معتقد بودند آن‌ها فاقد سیاست خارجی بوده (رمضانی، ۱۳۹۵، ص. ۳۵) و صرفاً دارای روابط خارجی بودند. کاستی دوم به نامتوازن بودن متغیرهای دخیل در تدوین و اجرای سیاست خارجی ایران در معدود پژوهش‌های مربوطه بازمی‌گردد. معمولاً در تاریخ ایران پس‌اصفویه، تحلیل منابع سیاست خارجی ایران، به دو متغیر فرد و نظام بین‌الملل تقلیل یافته است. این در حالی است که متغیر ملی یا اجتماعی به دلیل قدمت، تجربه تاریخی، موقعیت ویژه جغرافیایی و نیز ساختار مذهبی - اجتماعی ایران، نقش به‌سزایی داشته است؛ این نقصان درباره مطالعات نظری سیاست خارجی ایران در دوره قاجار و به ویژه تحولات بسیار مهم در آن دوره از جمله ماجرای تنباکو مشهودتر است.

ضرورت: برخی تحولات و پدیده‌های سیاسی به دلیل اهمیت و تأثیرگذاری در تحولات بعدی، به نقطه عطف تبدیل می‌شوند. ماجرای تنباکو را می‌توان جزو این دسته پدیده‌ها تلقی کرد. این ماجرا نه تنها باعث تحول جدی در اندیشه سیاسی شیعه (درخشه و کاظمی، ۱۳۶۵، ص. ۶) بلکه منشأ تغییرات بسیار جدی در عرصه سیاست داخلی و خارجی ایران نیز شده است. قیام تنباکو «نخستین نقطه عطف مهم در تاریخ بیداری ملی ایرانیان (رمضانی، ۱۴۰۲، ص. ۹۵) تعبیر شده و حتی برخی پژوهشگران، آن را انقلاب

نامیده‌اند (کشاورزی، ۱۳۷۹، ص. ۳۱۵). اگرچه موضوع تنباکو در سال ۱۲۶۹ش / ۱۸۹۰ یعنی ۱۳۵ سال پیش رخ داده و پژوهش‌های بسیار متعددی درباره آن، انجام شده؛ اما در این مقاله، از منظر جدیدی واکاوی می‌شود. آن‌گونه که در بخش پیشینه پژوهش خواهد آمد، مروری بر مهم‌ترین پژوهش‌های داخلی و خارجی در این زمینه نشان می‌دهد که ماجرای تنباکو ذیل عناوین مختلفی بررسی شده؛ اما با این وصف بیشتر با عنوان «تحریم تنباکو» شناخته می‌شود.

اهداف: هدف این مقاله تبیین نظری دقیق‌تر منابع سیاست خارجی ایران در ماجرای تنباکو و نقد استفاده از عنوان تحریم برای این پدیده سیاسی مهم و تعمیم آن به دیگر تحولات سیاست خارجی ایران است.

سؤال و فرضیه: پرسش اصلی مقاله عبارت است از: «کدام‌یک از منابع سیاست خارجی در وقوع ماجرای تنباکو نقش تعیین‌کننده‌تری ایفا کردند؟». در پاسخ به پرسش مذکور، فرضیه مقاله این‌گونه صورت‌بندی می‌شود: «ماجرای تنباکو بر خلاف «تحریم» که ابزار سیاست خارجی دولت‌هاست، ذیل عنوان «بایکوت» قابل‌تحلیل است؛ زیرا حاصل امتناعی مبتنی بر کنش جمعی و شبکه‌ای از نیروهای اجتماعی است که ذیل عنوان متغیر اجتماعی یا ملی در سیاست خارجی دوره قاجار انجام شد».

روش تحقیق: این مقاله از نوع پژوهش، بنیادی است که با رویکرد انتقادی انجام می‌شود. از روش اسنادی برای جمع‌آوری داده‌های آن استفاده می‌شود و روش پژوهش داده‌های گردآوری شده، کیفی با تأکید بر پژوهش اکتشافی از نوع ثانویه^۱ بر اساس اطلاعات و داده‌های به‌دست‌آمده در پژوهش‌های پیشین انجام خواهد شد. در واقع تلاش می‌شود تا از طریق بررسی منابع و متون گذشته که همسو با اهداف و موضوع مورد مطالعه پژوهش هستند به کشف وجوه جدیدی از مسئله موجود پردازد.

۱. پیشینه پژوهش

با توجه روشی که برای این‌که مقاله انتخاب شده، برای پردازش فرضیه، ضروری است پیشینه موضوع با تفصیل بیشتری بررسی شود.

۱-۱. پیشینه موضوع در نشریه دانش سیاسی

به‌طور کلی دو مقاله در میان مقالات منتشره در نشریه دانش سیاسی، با تفصیل بیشتری به موضوع تنباکو پرداخته‌اند. در مقاله «فرایند بسیج و اقدام سیاسی در نهضت تنباکو»، مهم‌ترین ابزارهای کنشگری سیاسی و مکان‌هایی چون مسجد و منابر، نامه‌ها، روزنامه و شب‌نامه‌ها، محتوای تلگراف و عرض‌حال‌ها، بست‌نشینی و درنهایت ابزار تحریم بررسی شده است. در این مقاله به‌صراحت از عنوان «تحریم» استفاده شده است: «تحریم از اشکال غالب مبارزه در نهضت تنباکو بود (مرشدی‌زاد، کشاورز شگری و احمدپور ترکمانی، ۱۳۸۹، ص. ۱۹۷). در مقاله دیگری در همین نشریه، مکتوبات سیاسی و مستندات تاریخی دوره قاجار و اکاوی‌شده تا تصویر (انگاره) آن‌ها از غرب استخراج شود. نویسنده مقاله مذکور، دیدگاه‌های علمای بزرگ آن عصر و در رأس آنها، میرزای شیرازی، را بررسی کرده و به این یافته رسیده که انگاره آن‌ها درباره غرب، باعث قیام‌های مردمی از جمله جنبش تنباکو شد (جمالزاده، ۱۳۸۴، صص. ۵۱-۵۳). درحالی‌که در مقاله نخست، ابزارهای بسیج سیاسی در نهضت تنباکو به‌عنوان یک کنش سیاسی تحلیل شده، در مقاله دوم به نوعی مبنای کنشگری در سیاست خارجی در آن عصر بررسی شده است. با این وصف هیچ‌کدام از مقالات مذکور، موضوع بایکوت را مطرح نکرده‌اند.

۲-۱. پیشینه موضوع در سایر منابع علمی

با توجه به اهمیت ماجرای تنباکو، با استثنای برخی نویسندگان مانند مخبرالسلطنه که برای قیام تنباکو اصلاتی قائل نبوده و آن‌را به «هوای نفس چند نفر و اختلاف بین کامران‌میرزا و امین‌السلطان» (مخبرالسلطنه، ۱۳۶۳، ص. ۱۱۸) تقلیل می‌دهند؛ تقریباً در تمامی متون داخلی و خارجی که درباره دوره قاجار وجود دارند، به این ماجرا اشاره شده است. شیخ حسن کربلایی اصفهانی (۱۳۸۲) از شاگردان مرحوم میرزای شیرازی و از شاهدان عینی وقایع نهضت تنباکو، مستندترین گزارش و روایت از ماجرای تنباکو را از زمینه‌های صدور فرمان حرمت و سپس حلیت مصرف تنباکو و دخانیه و پیامدهای آن‌را مطرح کرده است. همچنین در «رساله دخانیه» حکیم هیدجی (۱۳۸۵) نیز صورت تلگراف‌ها، نامه‌ها و اعلامیه‌ها و همچنین گزارش‌هایی از دیده‌ها و شنیده‌های نویسنده

که از علمای زنجان بوده، بر اساس ترتیب زمانی ماجرای تنباکو همراه با اشعار و حکایات مختلف ثبت شده است؛ البته مقدمه ۱۱۲ صفحه‌ای این کتاب که توسط علی‌اکبر ولایتی نوشته شده، نیز خود یک اثر جامع درباره ماجرای تنباکو محسوب می‌شود. احمد کسروی در «تاریخ مشروطه» که بیشتر شرح و روایت خود است، با اشاره به روند بیداری در جهان غرب، مهم‌ترین اتفاقی را که در ایران باعث بیداری توده مردم قبل از مشروطه شد، همین واگذاری امتیاز توتون و تنباکو ذکر کرده: «نخستین نمود بیداری ایرانیان و حضور در صحنه سیاسی و اجتماعی بود (کسروی، ۱۳۸۴، ص. ۲۳)». فصل نخست جلد اول تاریخ بیداری ایرانیان به واقعه رژی اختصاص یافته و بخش عمده متن تلگراف‌ها و نیز صورت‌نامه کامل امتیازنامه توتون و تنباکو ثبت شده است (کرمانی، ۱۳۸۴، صص. ۱۱-۴۷). آدمیت اثری اختصاصی ذیل عنوان «شورش بر امتیازنامه رژی» تألیف کرده که عنوان آن گویانی محتوایش است (آدمیت، ۱۳۶۰). در پژوهش دیگری بر اساس نظریه «مایکل مان»^۱ درباره منابع قدرت اجتماعی، نقش روحانیون به عنوان شبکه قدرت ایدئولوژیک در دوره قاجار بررسی شده است (سادات شریفی و دیگران، ۱۴۰۰) که البته در آن پژوهش، هیچ اشاره‌ای به موضوع بابکوت نشده است.

جدای از نویسندگان ایرانی، آثار بسیار مختلفی توسط پژوهشگران خارجی درباره ماجرای تنباکو وجود دارد که می‌توان آن‌ها را به دو دسته تقسیم کرد. دسته نخست، آثار کلاسیک است. در این رابطه نیکی کدی پژوهش ویژه‌ای با عنوان «تحریم تنباکو در ایران» انجام داده است. اگرچه این کتاب وقایع‌نگاری خوبی از آن ماجراست؛ اما در این اثر، نقش روسیه به عنوان متغیر بین‌المللی خیلی برجسته‌تر شده است (کدی، ۱۳۵۸). ادوارد براون ایران‌شناس انگلیسی نیز یک فصل از «انقلاب و تاریخ مشروطیت ایران» را به امتیاز تنباکو اختصاص داده است. وی علاوه بر متن مقالات منتشر شده در نشریات عثمانی که در ایجاد آگاهی ایرانیان درباره این امتیازنامه مؤثر بودند، شرح دقیق‌تری از آن ماجرا را ارائه کرده است (براون، ۱۳۷۶، صص. ۶۶-۷۰)؛ البته وی نیز مانند کدی، نقش روسیه را در آن ماجرا، مهم‌تر می‌داند.

دسته دوم شامل پژوهش‌هایی است که طی دهه‌ها و سال‌های اخیر توسط پژوهشگران ایرانی و خارجی در خارج از کشور انجام شده است. «متحده» با بررسی نقش مذهب و سیاست در ایران، بخش‌هایی از کتاب خود را به ماجرای تنباکو اختصاص داده و تحلیل جامعی از نقش همه بازیگران به‌ویژه علما را ارائه کرده است (Mottahedeh, 1985, pp. 183-228). در حالی که فرمانفرمایان اصالت فتوای میرزای شیرازی را رد و یا نقش آن‌را در ماجرای تنباکو کم‌رنگ کرده و نقش تجار و به‌ویژه ملک‌التجار را نسبت به فتوا برجسته‌تر کرده (Soudavar Farmanfarmaian, 2014)؛ منصور معدل با رویکرد جامعه‌شناختی، نقش طبقه بازرگانان در ماجرای تنباکو را تحلیل کرده و معتقد است بدون مشارکت علما، تجار نمی‌توانستند یک جنبش توده‌ای ایجاد کنند (Moaadel, 1992). کاظمی از زاویه دیگری ماجرای تنباکو را تحلیل کرده و با تأکید بر پیوندهای ملی و فراملی روحانیون و نیروهای سیاسی ایران و عثمانی، ماجرا تنباکو را مرحله مهمی در توسعه و بلوغ آنچه بعدها به عنوان اسلام فعال یا سیاسی شناخته شد، می‌داند (Kazemi, 2014). پژوهشگر دیگری در مجموعه مقالات منسجمی، اعتراضات صنوف مختلف مردم ایران در شهرهای مختلف را در دوره قاجار بررسی کرده که مطالب بسیار مناسبی درباره قیام تنباکو دارد (Vanessa, 2005). در پژوهش مختصری که توسط یکی از پژوهشگران دانشگاه آنکارا انجام شده، ماجرای تنباکو در ایران ذیل عنوان بایکوت بررسی شده است؛ البته محور اصلی مقاله مذکور، بایکوت در امپراتوری عثمانی بوده و بایکوتی که توسط اتریش - مجارستان علیه عثمانی در سال ۱۹۰۸ انجام شد، با تفصیل بیشتری بررسی شده است و به اختصار به بایکوت تنباکو در ایران اشاره شده است (Ayar, 2017, pp. 3-5). به‌طور کلی از یک طرف اهمیت ماجرای تنباکو در تحولات سیاسی ایران و از طرف دیگر خلأ پژوهشی در متون داخلی و خارجی در زمینه تحلیل تنباکو به مثابه یک بایکوت بسیار مهم در تاریخ سیاست خارجی، زمینه‌ساز تألیف این مقاله شده است.

۳. مبانی مفهومی: بایکوت

قبل از بررسی مفهوم بایکوت این نکته یادآوری می‌شود که تحریم و بایکوت در دو

حوزه متفاوت کاربرد دارند. درحالی که تحریم و حرام بودن در ادبیات فقه شیعه، مفهومی رایج است، مفهوم تحریم و بایکوت در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی معانی دیگری دارند. در این مقاله با مفروض دانستن صحت مفهوم تحریم برای مباحث فقهی از جمله فتوای آیت‌الله میرزای شیرازی، از منظر ادبیات روابط بین‌الملل به بایکوت نگریسته می‌شود که ذیل عنوان متغیر ملی یا اجتماعی می‌گنجد. به‌رغم وجود تفاوت بنیادین بین «تحریم^۱» و «بایکوت^۲»، این دو واژه تقریباً معادل هم گرفته شده و یا بیشتر از عنوان تحریم به جای بایکوت استفاده می‌شود. تحریم از ریشه لاتینی «سانکسیو^۳» گرفته شده که در معنای تخصصی آن، اقدامات جامعه بین‌المللی به منظور الزام یک دولت قانون‌شکن به تمکین از حقوق بین‌الملل (Plano, 1988. pp. 152-153) تعریف شده است. تحریم جزئی از دیپلماسی بین‌المللی است که از سوی کشورهای تحریم‌کننده به‌عنوان ابزاری غیرنظامی جهت اجبار دولت کشورهای هدف، برای انجام واکنش مورد نظر اعمال می‌شود (مجاهد و دیگران، ۱۳۹۷، ص. ۸۲). به‌علاوه تحریم اقدامات یکجانبه یا دسته‌جمعی علیه دولتی تعریف شده که حقوق بین‌الملل را نقض می‌کند و هدف تحریم، اجبار دولت مذکور به اصلاح رفتار خود است (Davis, 2008, p. 187). همچنین تحریم مجازات یا تهدید به مجازات کنشگری است که تعهدات و معیارهای بین‌المللی را رعایت نمی‌کند و شامل طیف گسترده‌ای از واکنش‌ها هستند که علیه دولت خاطی اعمال می‌شوند (Stuart & Ness, 2022, pp. 218). مخرج مشترک همه تعاریف مذکور این است که تحریم، ابزار سیاست خارجی و دیپلماسی است که توسط نهاد تحریم‌کننده که شامل یک کشور، تعدادی از کشورها، اتحادیه‌ای از کشورها و یا نهادهای بین‌المللی مانند شورای امنیت علیه یک کشور انجام می‌شود و هدف سیاست‌های تحریم تغییر رفتار سیاسی و یا حتی سرنگونی نظام حاکم کشور است. در همه موارد مذکور، تحریم، یک تصمیم سیاسی است که از مجرای سازوکارهای قانونی مانند مصوبات پارلمان‌ها، فرمان‌های اجرایی سران کشورها و یا قطعنامه‌های مصوب نهادهای بین‌المللی اعمال می‌شود. میثاق جامعه ملل، و منشور سازمان ملل با تمرکز

1. Sanction
2. Boycott
3. Sanctio

تصمیم‌گیری درباره تحریم در شورای امنیت، تدابیر گسترده‌ای را برای اعمال تحریم‌ها در نظر گرفته‌اند. با توجه به اینکه حقوق بین‌الملل بر اساس ارزش‌ها و منافع قدرت‌های هژمون تدوین می‌شود؛ بنابراین این تحریم‌ها بیشتر متوجه کشورهایایی هستند که مخالف رژیم‌های بین‌المللی می‌باشند.

درحالی‌که تحریم یکی از ابزارهای سیاست خارجی تلقی می‌شود، جنبه اقتصادی - فناورانه دارد و بیشتر توسط دولت‌ها به‌کار گرفته می‌شود، بایکوت، در سطح غیررسمی انجام می‌شود و اقدامی روانی - سیاسی است و استفاده‌کنندگان آن به دولت‌ها محدود نمی‌شود بلکه افراد و توده‌های مردم نیز می‌توانند به آن متوسل شوند. بایکوت به معنای خودداری عمدی از خرید، استفاده یا مشارکت در فعالیت‌های مرتبط با یک فرد، شرکت، سازمان یا کشور است. این اقدام معمولاً به‌صورت داوطلبانه و توسط افراد، گروه‌ها یا سازمان‌های غیردولتی انجام می‌شود و هدف آن اعتراض به یک رفتار یا سیاست خاص است. به‌دیگرسخن بایکوت، فعالیتی که در آن مصرف‌کننده، داوطلبانه از خرید یا مصرف کالایی و یا معامله و معاشرت با کسی یا گروهی و یا سازمانی برای نشان‌دادن اعتراض و عمدتاً بنا به دلایل سیاسی خودداری کند. نکته محوری در بایکوت، «امتناع» است. بایکوت معمولاً یک اقدام امتناع‌آمیز، دسته‌جمعی و سازمان‌دهی‌شده در روابط اقتصادی، اجتماعی، کاری و سیاسی در اعتراض و مجازات رفتار ناعادلانه است. یکی از عناصر مهم و روانی بایکوت، بی‌اعتنایی و نادیده‌گرفتن طرف است. در بایکوت، موضوع یا سوژه عمداً مورد توجه قرار نمی‌گیرد یعنی بایکوت‌کنندگان، تظاهر به ندیدن موضوع کرده و از هرگونه مراوده با سوژه خودداری می‌کنند. این موضوع در تحریم، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. ازسوی‌دیگر، اهمیت بایکوت تنها به تأثیر اقتصادی آن محدود نمی‌شود بلکه مهم‌ترین تأثیر آن، افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی و آگاهی سیاسی است و براین‌اساس، بایکوت عبارت است از: امتناع، عاملیت مردم جامعه، حرکت از پایین‌و خودداری از استفاده در مقابل خرید، تشویق، حمایت و استفاده است.

بایکوت در جریان «جنگ‌های زمین» در ایرلند وارد زبان انگلیسی و سپس سایر زبان‌ها حتی فارسی شد و در اصل از نام خانوادگی چارلز بایکوت گرفته شده است.

«چارلز بایکوت»^۱ (۱۸۳۲-۱۸۹۷) مباشر یکی از ملاکان ایرلند بود و چون مردم از گرانی اجاره‌بهای زمین‌ها به او اعتراض کردند و خواستار کاستن از اجاره‌بها شدند، بایکوت نپذیرفت. مردم محلی به‌جای اعمال خشونت هرگونه دادوستد و معاشرت با او را ممنوع کردند به طوری که حتی پستیچی نیز نامه‌ها و بسته‌های او را تحویل نمی‌داد. روزنامه تایمز در بیستم نوامبر ۱۸۸۰، برای نخستین بار، اصطلاح «بایکوت» را برای تفسیر اقدامات مردم ایالت مایو علیه چارلز بایکوت به‌عنوان «نوعی انزوای سازمان‌دهی شده» به‌کار برد (Feldman, 2019, pp. 8-10). پس از آنکه چارلز بایکوت و خانواده‌اش مجبور شدند در اول دسامبر ۱۸۸۰، محل مأموریت خود را ترک و در انزوای کامل به انگلیس بازگردند، اصطلاح بایکوت، وارد ادبیات سیاسی و اقتصادی شد و از آن پس به همه زبان‌ها راه یافت. بایکوت برای بیان تحریم دسته‌جمعی و طرد سازمان‌یافته توسط روزنامه تایمز، در مقاله‌ای که در نوامبر همان سال منتشر شد (حسین، ۲۰۲۴).

اگرچه اصطلاح بایکوت در سال ۱۸۸۲ مطرح شد؛ اما در عمل بسیار مسبق بوده و مصادیق آنچه که بایکوت خوانده می‌شود به زمان‌های بسیار قدیم بازمی‌گردد. بایکوت شکر تولید شده توسط برده‌ها در انگلستان در مقابل امتناع پارلمان از لغو قانون برده‌داری در سال ۱۷۹۱ موجب اعتراضاتی شد که در نهایت به لغو برده‌داری منجر شد. در سال ۱۹۱۲ در تونس، جنبشی برای بایکوت تراموای تونس متعلق به یک شرکت فرانسوی، پس از زیرگرفتن یک کودک تونسی انجام شد. در دهه ۱۹۲۰، مهاتما گاندی از جنبش بایکوت به عنوان بخشی اساسی از مقاومت در برابر استعمار بریتانیا در هند استفاده کرد (حسین، ۲۰۱۴).

۴. مبانی نظری؛ نظریه پیوستگی روزنا

درحالی‌که با غلبه نظریه‌های روابط بین‌الملل، برای نظریه‌های مربوط به سیاست خارجی، چندان اصالتی قائل نمی‌شدند، جیمز روزنا با پیوند میان سطح خرد و کلان و نیز نظریه‌های هر دو حوزه، چهارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی کشورها تدوین

1. Charles Boycott

کرده که به‌رغم گذشت نیم قرن، همچنان ظرفیت مناسبی برای تحلیل سیاست خارجی دارد و بر اساس آن، ده‌ها پژوهش درباره سیاست خارجی ایران نوشته شده است. در این مقاله، در کنار استفاده از چهارچوب مذکور، با توجه به بایکوت تنباکو در ایران، نظریه مذکور نقد نیز می‌شود. روزنا سنجه‌ای ارائه کرده که مؤلفه‌های تعیین‌کننده سیاست خارجی همه کشورها، از بزرگ و کوچک گرفته تا توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته را دربرمی‌گیرد. وی قائل به وجود پنج مؤلفه یا متغیر در سیاست خارجی کشورهاست. به تعبیر بهتر، روزنا سیاست خارجی را متغیر وابسته‌ای می‌داند که پنج متغیر مستقل در تدوین و اجرای آن مؤثرند. این متغیرها عبارت‌اند از: فرد، نقش، حکومت و بروکراتیک، متغیر اجتماعی یا ملی و نهایتاً متغیر بین‌المللی یا نظام‌مند (Rosenau, 2006, pp. 171-199). روزنا ترتیب تأثیرگذاری متغیرهای پنج‌گانه در سیاست خارجی کشورهای بزرگ، باز، بسته، دموکراتیک و غیردموکراتیک را نیز مشخص می‌کند. در کشورهای توسعه‌یافته، متغیر نقش و در کشورهای توسعه‌نیافته، فرد و نظام بین‌الملل نقش بیشتری دارند.

با توجه به اینکه این مقاله بر متغیر منابع ملی متمرکز است، این متغیر، ایضاً بیشتر می‌شود. متغیر اجتماعی یا ملی، جنبه‌ها و نمودهای غیردولتی تأثیرگذار بر سیاست خارجی یک کشور را دربرمی‌گیرد. گرایش‌های ارزشی، درجه وحدت ملی، میزان توسعه یافتگی، فرهنگ سیاسی، ایدئولوژی اسلامی، تجربه تاریخی، موقعیت جغرافیایی، نخبگان و گروه‌های ذی‌نفوذ و افکار عمومی در زمره متغیرهای اجتماعی قرار دارند. چنانچه روزنا در رده‌بندی متغیرها آورده است، تحقق عینی موارد یاد شده در متغیر «جامعه» مانند دو متغیر «نقش» و «حکومت» را تنها می‌توان در چهارچوب نظام‌های بازسیاسی (دموکراتیک) و پیشرفته اقتصادی و توسعه‌یافته (اعم از قدرت‌های کوچک و بزرگ متصور) بود. در چنین جوامع متکثری از طریق ده‌ها گروه انبوهی از تقاضاهای انجمن‌ها، سازمان غیردولتی و به‌ویژه مراکز تحقیقاتی و فکری مستقل و غیردولتی وارد نظام تصمیم‌گیری کشور می‌شود که نتیجه آن اتخاذ راهبردهای مختلف در حوزه سیاست خارجی (البته در چهارچوب یک خط‌مشی کلان منطبق بر منافع ملی) است. در چنین نظامی دولت نمی‌تواند ناگهانی تغییری

بنیادین در سیاست خارجی اعمال کند و مثلاً از یک اتحاد راهبردی خارج شده و به اتحاد راهبردی دیگر وارد شود و با چرخش‌های ناگهانی و ۱۸۰ درجه‌ای رویکرد تعاملی و یا تقابلی در قبال یک کشور دیگر را اتخاذ کند (Rosenau, 1971, p. 107). به‌طور کلی روزنا، تأثیرگذاری متغیر اجتماعی را خاص جوامع توسعه‌یافته می‌داند و طبیعتاً ایران عصر قاجار دارای چنین ویژگی نبود و قاعدتاً این متغیر نیز در سیاست خارجی آن بی‌تأثیر بوده است؛ اما در ادامه مقاله، و با تحلیل بایکوت تنباکو، نتیجه دیگری حاصل می‌شود: تعمیم نظری روزنا برای تحولات ایران عصر قاجار به‌ویژه ماجرای تنباکو نارواست.

۴. چگونگی بایکوت تنباکو

با توجه به کثرت منابعی که به تشریح جزئیات ماجرای تنباکو پرداخته‌اند، در این اثر پژوهشی، با اشاره مختصری به این امتیازنامه، با مفروض دانستن دانش مخاطبان از این منابع، بیشتر دلایل بایکوت‌بودن قیام تنباکو بررسی و از منظر متغیر ملی به‌عنوان یکی از منابع مهم سیاست خارجی ایران تحلیل می‌شود.

۴-۱. امتیاز تنباکو، برآیند متغیر شخص و نظام بین‌الملل

اعطای امتیاز تنباکو، برآیند تأثیرگذاری دو متغیر نظام بین‌الملل و شخص و تا حدودی حکومت بود و بایکوت تنباکو، واکنش متغیر اجتماعی به دو متغیر مذکور در سیاست خارجی ایران عصر قاجار بود. ماجرای تنباکو در عصری رخ داد که نظام بین‌الملل تکوین یافته بود و کشورهایمانند ایران از عرصه خارجی به درون این نظام کشیده شده بودند. ایران به‌دلیل موقعیت ویژه‌ای که در ژئوپلیتیک قدرت و در صفحه شطرنج دنیا داشت (کرزن، ۱۳۶۹، ج ۱، ص. ۲۱) به‌شدت مورد توجه امپراتوری بریتانیا بود. چون روسیه رقیب اصلی آن بود، سیاست‌گذاران ایرانی آن عصر سیاست موازنه مثبت را اتخاذ کردند؛ البته مفهوم موازنه‌ای که در ابتدا برای حفظ منافع ایرانی، پی‌ریزی شد، به علت ضعف شاه، «مثبت‌بودن» آن تقریباً ناممکن بود؛ زیرا نمی‌توانستند خواسته‌های قدرت‌های رقب و اتباع آن‌ها را رد کنند و در عوض، در قلمرو اقتصادی ایران به اعطای انواع امتیازهای اقتصادی به هر دو قدرت رقیب منجر شد (رمضانی، ۱۴۰۲، ص. ۹۱).

اعطای امتیازات اقتصادی با گرفتن وام‌های خارجی از دو قدرت بزرگ تکمیل شد. نتیجه توسعه طلبی انگلیس و روسیه و ناآگاهی شاهان قاجار در قرن نوزدهم موجب شکل‌گیری دوره امتیازات در ایران شد. دولت ایران در اواخر دوره قاجار در مجموع ۳۲ موافقت‌نامه واگذاری امتیاز با کشورهای خارجی امضاء کرده بود که سهم روسیه تزاری ۱۲ و انگلیس ۱۴ مورد بود (حاجی یوسفی و محمدیان، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۸).

ناصرالدین شاه در طول نیم‌قرن سلطنت، امتیازات بسیار گسترده‌ای به روسیه و بریتانیا داد که یکی از شاخص‌ترین آن‌ها امتیاز توتون و تنباکو بود. این امتیازنامه بین ناصرالدین شاه، قاجار و «ماژور تالبوت» شهروند انگلیسی اما درحقیقت با امپراتوری بریتانیا به‌عنوان یکی از دو قدرت بزرگ جهانی قرن نوزدهم منعقد شد. با توجه به اینکه هنوز انقلاب مشروطه در ایران به‌وقوع نپیوسته بود، سلطنت در ایران مطلقه بود. دیدگاه‌های مختلفی درباره میزان قدرت شاه وجود دارد. برخی مانند سر جان ملکوم معتقد بودند که در سیاست داخلی، شاه باید نظر مردم را درباره انتخاب مقامات مختلف از جمله کدخداها و کلانترها در نظر می‌گرفت (آبراهامیان، ۱۳۸۴، زیرنویس ص. ۱۴)؛ اما به تعبیر لرد کرزن، شاهی مانند ناصرالدین شاه، نمونه ممتاز زمامداری مختار و مطلق بود: «وی عاری از مسئولیت و فعال مایشاء است و حق بی‌حد و حصری نسبت به جان و مال هریک از اتباع خود دارد و هیچ مرجع رسمی نیست که قادر باشد حقوق و مزایای وی را محدود سازد (کرزن، ۱۳۶۹، ج ۱، ص. ۵۱۳). شاه تا قبل از ماجرای تنباکو، در عرصه سیاست خارجی، تنها منبع داخلی تصمیم‌گیری بود و تشخیص‌دهنده مصلحت فقط پادشاه بود؛ البته متغیر خارجی تأثیر تعیین‌کننده‌تری در تصمیمات شاه داشت که جمله معروف ناصرالدین شاه برای دخالت سفرای روس و انگلیس در سفر وی به شمال و جنوب کشور مؤید آن است. به‌هرحال از منظر منابع داخلی سیاست خارجی، قدرت شاه بسیار زیاد بود، نتیجه سلطنت مطلقه، کم‌رنگ‌شدن و حذف سایر افراد حتی صدر اعظم‌های مخالف رویکرد شاه، بود. نمونه بارز آن، امیرکبیر بود که می‌توان وی را بنیان‌گذار ناکام جهت‌گیری نیروی سوم و حتی نوعی استقلال در سیاست خارجی ایران تعبیر کرد. منورالفکران به‌عنوان بخش مهمی از جامعه مدنی و متغیر اجتماعی در آن

دوره، علاوه بر آنکه بسیار محدود بودند، اگر در جایگاه منتقد قرار می‌گرفتند، حذف می‌شدند؛ البته برخی از آن‌ها با استدلال‌های خاصی هم متغیر فردی را در روابط خارجی تقویت کرده و زمینه‌ساز تأثیرگذاری بیشتر متغیر بین‌الملل بودند. در این رابطه آن‌ها واسطه انعقاد برخی توافقنامه‌های بسیار مهم بودند. بعضی از شاهزادگان منتفذ قاجار چون مخبرالسلطنه از امتیاز تنباکو دفاع می‌کردند: «از نظر سیاست و اقتصاد نمی‌شود گفت که آن امتیاز مضر بود و سرمشقی [بود] در آداب اداره جامعه. اگر امتیاز به هم نمی‌خورد، منافی داشت: اصلاح زراعت توتون، تعلیمات اداری و تجارت با خارجه (مخبرالسلطنه، ۱۳۶۳، صص. ۱۱۷-۱۱۸)».

یکی از الزامات مهم سیاست خارجی، شناخت محیط بین‌المللی مبتنی بر فهم وقایع جهانی است. این در حالی بود که حاکمان قاجار به دلیل عدم اطلاع از محیط پیرامون بین‌المللی، تصور صحیحی از موقعیت و توان نظامی خود نداشته و بر پیچیدگی دیپلماسی کشورهای اروپایی و شکنندگی اتحادها و ائتلاف‌ها واقف نبودند. ایران ناخواسته وارد گردونه سیاست‌های جهانی و دیپلماسی قدرت‌های بزرگ شده بود، بدون آنکه آمادگی چنین بازی‌هایی را داشته باشد (نقیب‌زاده، ۱۳۸۳، صص. ۳۴ و ۳۲). وضعیت مذکور باعث شد، امتیازنامه‌هایی چون توتون و تنباکو به بریتانیا داده شود. این امتیاز در پانزده فصل تنظیم و به ماژور تالبوت و شرکاء وی از سوی ناصرالدین شاه اعطا شد. خلاصه ماحصل پانزده فصل آن عبارت بود از: صاحبان امتیاز موظف به پرداخت سالی ۱۵ هزار لیره انگلیس به خزانه ایران می‌باشند؛ صاحبان امتیاز حق نظارت و صدور اجازه‌نامه برای فروش توتون، تنباکو و غیره دارند. پس از تقسیم صدی پنج سرمایه بین صاحبان امتیاز یک چهارم منفعت باقی مانده عاید خزانه ایران شود و دولت ایران هر ساله حق خواهد داشت دفاتر را واریسی کند. ورود اسباب و لوازم کارخانه شامل عوارض گمرکی نخواهد شد. حمل و نقل توتون و تنباکو به جز به میزان مصرف روزانه در داخل کشور بدون اجازه صاحبان امتیاز ممنوع است. صاحبان امتیاز تمامی توتون و تنباکوی موجود در ممالک محروسه را خریده و وجه نقد می‌پردازند. دولت ایران تا پنجاه سال هیچ اضافه مالیات و عوارضی درباره توتون، تنباکو و سیگار اعمال نکند. کسانی که از مواد این امتیاز تخطی داشته باشند، به جریمه و مجازات دولت

گرفتار خواهند شد و صاحبان امتیاز تعهد می‌کنند که از حقوق مندرج در امتیاز پافراتر نهند (کرمانی، ۱۳۸۴، صص. ۳۸-۴۰).

۴-۲. کنشگری متغیر اجتماعی در فرایند بایکوت تنباکو

اگرچه نقش سلطنت در سیاست ایرانی بسیار برجسته بود، و متغیر بین‌المللی نیز خیلی تأثیرگذار بود؛ اما بر خلاف دیدگاه روزنا، منابع قدرت ایران در دوره قاجار در انحصار شاه نبود و نیروهای مختلفی در سیاست خارجی ایران ایفای نقش می‌کردند. برخی از این نیروها مستقیماً در سیاست خارجی درگیر بودند و مستقل از دولت در سیاست خارجی تأثیرگذار بودند (حاجی یوسفی و محمدیان، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۰). به این دلیل کشور ایران حداقل در ماجرای تنباکو، تابع بی‌اختیار دیپلماسی کشورهای اروپایی نبود. اگرچه نیروهای اجتماعی ایران در دوره قاجار، ویژگی‌های جامعه مدنی امروزی را نداشتند، با این وصف در مقتضیات زمانی خود، نقش مهمی در سیاست خارجی ایفا می‌کردند.

برخلاف سایر امتیازاتی که در دوره ناصرالدین‌شاه به روسیه تزاری و بریتانیا داده می‌شد، امتیاز توتون و تنباکو، منافع و زندگی بسیاری از گروه‌ها و طبقات مردم ایران را مستقیم و فوری تحت تأثیر قرار می‌داد. کشاورزان شامل زمینداران و نسق‌داران در بخش کاشت و برداشت توتون و تنباکو، بازرگانان بزرگ که هم توتون و تنباکوی ایران را به خارج صادر می‌کردند و هم به‌صورت عمده‌فروشی، آن در بازار ایران توزیع می‌کردند، فروشندگان کوچک و دکانداران، تولیدکنندگان و فروشندگان چیق و قلیان اجزای تشکیل‌دهنده این صنعت در ایران آن روز بودند که هم منبع تفریحات و هم منبع درآمد این اقشار مختلف بود. منورالفکران و روحانیون نیز اگرچه در درون این صنعت گسترده نبودند؛ اما با جامعه تشکیل‌دهنده آن، روابط درهم‌تنیده‌ای داشتند. هرچند برخی از نویسندگان معتقدند امتیاز تنباکو به نفع کشاورزان و روستاییان بود چون سلف‌خرها پول توتون را در چند مرحله و با تأخیر پرداخت می‌کردند؛ اما کمپانی یکجا آن را پرداخت می‌کرد، با این‌وصف، کشاورزان و روستائیان علاوه‌برآنکه نقش تعیین‌کننده‌ای در پویای تحولات سیاسی ایران آن عصر نداشتند، آن‌ها نیز مانند سایر اصناف و گروه‌ها، فتوای مراجع را بالاتر از منافع محدود خود می‌دانستند و اتفاقاً

به‌شدت به سنت و موازین دینی متعهد بودند.

روحانیت در رأس نیروهای اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در کنش بایکوت تنباکو ایفا کردند. آن‌ها به دلایل متعددی رهبری مقابله با این امتیازنامه را برعهده گرفتند. به تعبیر مایکل مان، روحانیت در دوره قاجار، منبع و مظهر قدرت ایدئولوژیک بود که ظرفیت ویژه‌ای برای سازمان‌دهی مردم داشت. قدرت ایدئولوژیک توانایی کنترل باورها و ارزش‌های مردم است و این می‌تواند به قدرتمندان کمک کند تا رفتار مردم را کنترل کنند و تغییر اجتماعی ایجاد کنند. روحانیت شیعی در دروه امتیاز تنباکو، هم دارای قدرت «فشرده»^۱ و هم قدرت «گسترده»^۲ بود؛ فشردگی یعنی تمرکز آن در زمان و مکان خاص و گستردگی یعنی میزان و گستره آن در یک منطقه یا فضایی بزرگ‌تر است (سادات شریفی و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۶۲).

علاوه بر آنکه فقه شیعه که نهاد روحانیت را با اقتصاد جامعه از منظر دریافت وجوهات شرعی مرتبط و پیوند چندگانه‌ای بین آن‌ها با طبقات مختلف مردم برقرار می‌کرد، آن‌ها مدافع ارزش‌های دینی و اسلامی بودند که با امتیاز توتون و تنباکو مورد هجمه کفار قرار گرفته بود (Mottahedeh, 1985, p. 216). روحانیت در عصر امتیاز تنباکو نه تنها زیر سیطره قدرت سلطنت نبود بلکه بر ملت در مقابل دولت زعامت داشت و فقهیان شیعه بر اساس قاعده نفی سبیل خود را مدافع ارزش‌های اسلامی می‌دانستند. وقتی اصناف مختلف معترض به امتیاز تنباکو راه به‌جایی نبردند، «چون اهالی سایر بلاد هرچه بر سر زدند و یخه[یقه] دریدند، اصلاً اثری از رحم سلطان و

1. Intensive
2. Extensive

سایر اعوان و دیوان ندیدند پس از یاس و نو میدی از اولیای دولت به رؤسای ملت ملتجی گردیده (هیدجی، ۱۳۸۵، ص. ۱۲۱) و به سوی علمای رفتند. «چاره درمان این گونه دردهای عمومی مملکت ایران، علمای ملت‌اند. [لاجرم] اصناف مردم عمومی در هر بلد، روی شکایت به در خانه علمای ملت بردند. علمای اعلام ملت نیز بعد از آگاهی از وضع فسادآمیز این عمل [امتیاز تنباکو] به مناسبت و وظیفه منصب بزرگشان که پاس نام و ناموس دولت و ملت اسلام به اندیشه چاره افتادند. همگی خلق ایران از عالم و عامی در این خصوص استغاثه به حضرت [میرزای شیرزای] رئیس علمای ملت پناه بردند (اصفهانی کربلایی، ۱۳۸۲، صص. ۹۷-۹۸)». عدم التزام دولت به رعایت قواعدی مانند نفی سبیل، حتی موجب شد مردم مشروعیت کامل سلطنت را زیر سؤال ببرند به گونه‌ای که «وقتی مردم آذربایجان دیدند عجز و الحاح جز بر بیدادگری سلطان نمی‌افزاید و اتباع دولت از جاده حزم منحرف و از امور سیاست منصرف.... [لاجرم] سر از اربقه طاعت و گردن از رشته متابعت بیرون کشیدند، عریضه‌ای بدین مضمون به حضور همیون [همایون] ارسال داشتند وقتی بنایت شد کفر را بر اسلام مسلط و کافر را بر مسلمان قرار دهی... در این صورت ما تو را لازم نداریم تو قابل سلطنت و لایق اطاعت نیستی... (هیدجی، ۱۳۸۵، ص. ۱۳)».

نهاد روحانیت با انگاره سلطه اجانب و کفار بر مملکت اسلامی ایران، امتیاز تنباکو و توتون را منافی صریح قرآن مجید و نوامیس الهیه و موهن استقلال دولت و مخل نظام مملکت و موجب پریشانی عموم رعیت می‌دانستند که بر اساس آن «رعیت که فی‌الحقیقه خزانه عامره [سرمایه آبادان] دولت‌اند، بالمره از وجود تجارت و مکاسب خود مسلوب الاختیار و مقهور کفار باشند» (جمالزاده، ۱۳۸۴، صص. ۵۱-۵۳). نهاد روحانیت در رأس و هماهنگ‌کننده شبکه نیروهای اجتماعی، فرایند بایکوت تنباکو، را مرحله به مرحله راهبردی کرد. میرزای شیرزای پیش از صدور حکم تحریم، از طریق علمای بلاد از میزان نارضایی عمومی از قرارداد رژی اطلاع یافته بود. وی در ۲۷ ذیحجه ۱۳۰۸ توسط نایب‌السلطنه کامران میرزا تلگرافی برای ناصرالدین‌شاه ارسال کرد و در آن ضمن اعتراض به تبعید سیدفال اسیری و درخواست بازگرداندن محترمانه او، صریحاً از اعطای امتیاز بانک و توتون و تنباکو و راه‌آهن و نظایر آن به بیگانگان و

مداخله آن‌ها در امور کشور انتقاد کرد و از شاه خواست «این مفاسد را به احسن وجه تدارک» نماید. پس از این تلگراف به دستور ناصرالدین‌شاه، میرزا محمود مشیرالوزاره، کارپرداز ایران در بغداد، با میرزای شیرازی دیدار کرد و لغو قرارداد را به کلی غیرممکن خواند؛ اما او قانع نشد و برخواسته‌های خود پافشاری کرد (رنجبر کرمانی و اذری شهرضایی، بی تا).

میرزای شیرازی در سامرا که در آن مقطع بخشی از امپراتوری عثمانی بود، سکونت داشت. فاصله جغرافیایی سامرا با تهران، در عصری که ارتباطات بسیار ضعیف بود، مانع از آن نشد که ارتباط شبکه‌ای سنتی که از ویژگی‌های خاص نیروهای اجتماعی ایران بود، نقش خود را ایفا کند. میرزا که در میان علما و مجتهدان مقیم عتبات مقامی ممتاز داشت، با صدور فتوایی کوتاه، بیش از نیم قرن قبل از مهاتما گاندی رهبر قیام مردم هند علیه استعمار بریتانیا، مبارزه‌ای منفی را راهبری کرد که بخش عمده نیروهای اجتماعی ایران از آن تبعیت کردند. «سواد این حکم مبارک در همان نیم‌روز، تا صدهزار نسخه رسیده و در همان نیم‌روز، به همه جا حتی اقصای بلد منتشر شد و سهل است که تا به بسیاری از قراء و آبادی‌ها نیز سرایت گرفت (اصفهانی کربلایی، ۱۳۸۲، ص. ۱۳۹)». فتوای ممنوعیت شرعی هر نوع مصرف تنباکو و تنباکو، با شور و هیجان، سرعت و دقت و انضباط کامل از سوی تمام طبقات مردم به کار بسته شد.

اگرچه میرزای شیرازی، مرجع تقلید شیعیان بود، و قاعدتاً می‌بایستی فتوا در میان مقلدین وی نافذ می‌شد؛ اما این فتوا به نماد همبستگی ملی تبدیل شد و کسانی که چندان پایبند رعایت احکام شرعی نبودند، فرنگی‌مآبان، اقلیت‌های مذهبی کارکنان و خدمتکاران دربار و آبدارخانه شاه، درباریان و رجال دولتی و حتی همسران ناصرالدین‌شاه، نیز با التزام کامل فتوای تحریم را رعایت می‌کردند و دود چپق و قلیان در هیچ نقطه‌ای از پایتخت بلد نشد (تیموری، ۱۳۵۸، صص. ۱۰۵-۱۰۶). فتوای وی در مدت اندکی در بین تمامی طبقات مردم و یهودیان و مسیحیان و حتی دربار نفوذ کرد (جمالزاده، ۱۳۸۴، صص. ۵۱-۵۳). «حتی به‌جایی رسید که یهود و نصاری نیز به متابعت از اسلام دخانیه را در ظاهر متارکه نمودند» (هیدجی، ۱۳۸۵، ص. ۱۳). یکی از مصادیق بارز تبعیت همه مردم از فتوا میرزای شیرازی که در هر دو رساله معروف

تاریخ دخانیه ثبت شده است، پیروی مردم از آن بود حتی «اوباش بلد به اصطلاح آن وقت، آدش» و مستی‌ها که از صبح تا شام از هیچ‌رو باکی از هیچ‌گونه مناهی و معاصی ندارند، به غیرت اسلامیت چپ‌ها را شکستند و این کلمه از آن‌ها به فزونی شنیده شد که من عرق را علانیه و بر ملاً خوردم و از هیچ‌کس باکی ندارم ولی چپ‌ها را تا آقامیرزا حلال نکند لب نخوادم برد (اصفهانی کربلایی، ۱۳۸۲، ص. ۱۴۰ و هیدجی، ۱۳۸۵، ص. ۱۲۸). اگرچه در شرع اسلام، شرب خمر حرام است؛ اما حتی کسانی که به این کار عادت داشتند، استعمال دخانیات را بر خود منع کردند.

گسترده‌گی نیروهای اجتماعی بایکوت‌کننده تنباکو، حتی با کشورهای که دارای احزاب و جنبش‌های کارگری گسترده بودند، قابل‌مقایسه نبود؛ زیرا بایکوت‌کنندگان تنباکو نماینده همه اقشار بودند و نه طبقه و قشر خاصی. پیروی از فتوای میرزای شیرازی و عدم استعمال تنباکو و توتون در میان همه طبقات مردم ایران در عصر قاجار، عمق رابطه میان مردم و مراجع تقلید و علما به‌عنوان منبع تأثیرگذار در سیاست خارجی و داخلی را نشان می‌دهد: «ایرانی‌ها از استعمال تنباکو لذت بسیار زیادی می‌بردند، تاجایی‌که آن را همه‌جا حتی در مساجد نیز استعمال می‌کردند. اکثر ایرانیان ترجیح می‌دادند که از نان صرف‌نظر کنند تا تنباکو. همچنین اولین کار آن‌ها در ماه رمضان به هنگام افطار، روشن کردن چپ‌هایشان بود (متی، ۱۳۸۹، صص. ۱۷۵-۱۷۶)». «کار به‌جایی کشیده شد که شاه هم از کشیدن قلیان علناً خودداری کرد» (مخبرالسلطنه، ۱۳۶۳، ص. ۱۱۷). در جریان بایکوت تنباکو، در تبعیت از فتوا، برخی تجار حتی تمامی موجودی انبار خود را آتش زدند تا از تحویل آن به عوامل کمپانی خودداری کنند. یکی از معتبران فارس که صاحب املاک و مزارع بسیار بود، ۱۲ هزار کیسه تنباکوی موجود در انبار خود را به‌جای فروختن به عمال کمپانی، آتش زد و وقتی که آن‌ها برای خرید تنباکو مراجعه کردند، این تاجر گفته بود آن‌را به خدا فروختم (اصفهانی کربلایی، ۱۳۸۲، ص. ۱۱۰).

متغیر اجتماعی به شیوه‌های گوناگون در سیاست خارجی تأثیر می‌گذارد که یکی از آن‌ها تظاهرات خیابانی است. حضور مردم در خیابان به‌عنوان یک کنش اجتماعی و سیاسی حتی در دنیای امروز نیز بسیار مهم است. در نظام‌های سیاسی غیردموکراتیک که مجاری بیان و تجمیع تقاضاهای سیاسی بسیار محدود است، حضور مردم در

خیابان‌ها به دو صورت تأیید سیاست‌های نظام و یا اعتراض علیه آن، مرسوم است. در نظام‌های دموکراتیک نیز گاهی اوقات تظاهرات، به‌عنوان اقدامی فوری و ضروری فراتر از نهادهای قانونی در خیابان‌ها انجام می‌شود. با توجه به اینکه ایران در دوره حکومت ناصرالدین‌شاه، بستر لازم برای نهادهایی که امروزه جامعه مدنی خوانده می‌شود، وجود نداشت، از این رو نیروهای اجتماعی ایران با شیوه‌های سنتی مانند بست‌نشینی و زاویه‌نشینی خواسته‌های خود را بیان می‌کردند. در جریان بایکوت تنباکو علاوه‌بر روش‌های سنتی مذکور، الگوهای نوین مانند تظاهرات سیاسی خیابانی که تا آن مقطع در تاریخ ایران سابقه نداشت، انجام شد که بر سیاست خارجی تأثیر گذاشتند. قیام تنباکو اولین کنش سیاسی ایرانیان در خیابان محسوب می‌شود. در جریان نهضت تنباکو برای نخستین‌بار مردان و زنان ایران برای نشان دادن نارضایتی خود، تظاهرات را به‌عنوان شکل کنش جمعی انتخاب کردند و نخستین تظاهرات در نهضت تنباکو برگزار شد (مرشدی‌زاد، کشاورز شکری و احمدپور ترکمانی، ۱۳۸۹، صص. ۱۹۹-۲۰۰). در این ماجرا بود که تظاهرات و اعتراضات جمعی ضددولتی و ضدحکومتی در ایران بنیان نهاده شد (Mottahedeh, 1985, p. 184). جنبش تنباکو نخستین اعتراض ملی ایران محسوب می‌شود (رمضانی، ۱۴۰۲، ص. ۱۰۸).

برگزاری تظاهرات محدود به تهران نبود بلکه اکثر شهرهای ایران را فراگرفت؛ به‌گونه‌ای در شهرهای تهران، اصفهان، قزوین، یزد، مشهد، زنجان، همدان، تبریز، کاشان و کرمانشاه نیز تظاهرات برگزار شد. تظاهرات ابتدا مسالمت‌آمیز برگزار شد که از نشانگان کنشگری متغیر اجتماعی است؛ اما نظام حاکم که نمی‌توانست چنین اقداماتی را تحمل کند، به سرکوب تظاهرکنندگان پرداخت که در اثر آن متجاوز از ۵۰ نفر کشته شدند (منخبرالسلطنه، ۱۳۶۳، ص. ۱۱۷). علاوه‌بر نفس تظاهرات در بایکوت تنباکو، شرکت معترضان از اقشار گوناگون به‌ویژه زنان برای لغو آن امتیازنامه و جوه دیگری از نقش متغیرهای اجتماعی را نمایان می‌کند. قبل از قیام تنباکو، قیام‌هایی که بیشتر به علت گرسنگی و برای نان رخ داده بود و حتی در آن اعتراض‌ها زنان نیز نقش ایفا می‌کردند، وجود داشت. در گزارشی که درباره کنش‌های اجتماعی زنان ایران در قرن نوزدهم میلادی تهیه شده، به موارد مختلفی از جمله تحصن زنان در مقابل منبر امام

جمعه تهران در سال ۱۸۹۴ و اجبار وی به رفتن به کاخ شاه برای احقاق حقوق مردم، تجمع در مقابل کالسکه شاه هنگام بازگشت از شکار در سال ۱۸۶۱، اعتراض زنان عشایری شیراز و تجمع آن‌ها در دفاتر تلگراف در اعتراض به رفتار حاکم وقت و از همه مهم‌تر اعتراض زنان در قحطی بزرگ ۱۸۷۱ برای نان ثبت شده است (Vanessa, 2005, PP. 100-104). سطح مشارکت زنان در این بایکوت از کف خیابان تا اندرونی قدرت را شامل می‌شد. پیروی زنان از فتوای میرزای شیرازی به‌عنوان مرجع تقلید، ساختار ویژه قدرت در جامعه ایرانی آن عصر را نشان می‌دهد. علاوه‌بر زنان مذهبی، صنوف مختلف، زنان اندرونی دربار، به رهبری انیس‌الدوله با شکستن قلیان‌ها، برای اولین بار به‌جای تبعیت از سلطان که ولی نعمت آن‌ها بود، شورش بزرگی برپا کردند و زنان به‌طور چشمگیری در آن حضور یافتند (توکلی، بیگدلی و احمدی، ۱۴۰۲، ص. ۶۴). پاسخی که انیس‌الدوله (فاطمه) به همسرش (ناصرالدین‌شاه) داد، مبانی مشروعیت و قدرت اجتماعی در آن عصر را به‌خوبی نمایان می‌سازد. او زمانی که میرزای شیرازی فتوای حرمت تنباکو و توتون را صادر کرد، قلیان ناصرالدین‌شاه را شکست و در جواب اعتراض شاه که گفته بود به‌دستور چه کسی تنباکو و توتون حرام شده است؟! گفت: همان‌که مرا به تو حلال نموده است (تیموری، ۱۳۵۸، ص. ۱۰۸). پس از تظاهرات گسترده مردم و هجوم به مراکز قدرت، شاه و درباریان به وحشت افتادند. میان شاه و علما پیام تبادل شد تا اینکه ناصرالدین‌شاه با سنجش قدرت اجتماعی مخالفان، در اقدامی بی‌سابقه در سیاست خارجی، این امتیازنامه را لغو کرد.

این در حالی بود که قبل از تجلی قدرت اجتماعی - سیاسی علما و مقام سلطنت در ماجرای تنباکو، ناصرالدین‌شاه طی دستخطی خطاب به میرزای آشتیانی ضمن انتقاد از علما که به‌جای ارسال عریضه انفرادی، عامه مردم را به میدان آورده‌اند، آشتیانی را شخصی فقیر تعبیر کرده که بر ضد دولت برخاسته است. آشتیانی در پاسخ علما را «رؤسای دین و ملت و حله شریعت» می‌نامد که «به‌واسطه همین مزیت شایسته مزید مکرمت و حرمت» می‌باشند. در دستخط مجدد شاه به تبعیت توده مردم از علما اعتراف و درعین حال با القاب منفی مانند «مردم نادان عوام» خطاب می‌کند (کرمانی، ۱۳۸۴، صص. ۱۵-۱۸). اگر ناصرالدین‌شاه امتیازنامه را لغو نمی‌کرد، موضوع تنباکو از مبارزه

منفی به جهاد ارتقا می‌یافت که سطح بسیار بالاتری از کنشگری اجتماعی محسوب می‌شود. «حدود ۴ هزار نفر به رهبری یک سید کفن پوش شدند و در درب خانه میرزای آشتیانی برای جهاد در سوم جمادی‌الآخر ۱۳۰۹ تجمع کرده بودند» (کشاورزی، ۱۳۷۹، ص. ۳۴۳) از آنجاکه صدور فتوا، به نتیجه منجر شد، نیاز به اعلام حکم جهاد نبود. اگرچه بایکوت یکی از وجوه اصلی جهاد است. وجوب بایکوت بر اساس قاعده جهاد شکل گرفته (Yunus, 2020, p. 963) و موجب افزایش آگاهی سیاسی مردم نسبت به یک مسئله خاص می‌شود.

نتیجه‌گیری

فرضیه این مقاله، برجسته‌سازی نقش متغیر اجتماعی به‌عنوان یکی از متغیرها و منابع پنج‌گانه سیاست خارجی ایران در دوره قاجار و به‌ویژه ماجرای تنباکو بود. در این راستا، پس از بررسی پژوهش‌های موجود، این نتیجه حاصل شد که تقریباً در همه متون مذکور، ماجرای الغای امتیاز توتون و تنباکو در دوره ناصرالدین‌شاه، ذیل عنوان «تحریم» آن‌را بررسی کرده بودند. این مقاله با رد مفروض پژوهش‌های مذکور، ضمن استفاده از نظریه جیمز روزنا برای تحلیل سیاست خارجی ایران، مفروض وی مبنی بر نقش ضعیف متغیر اجتماعی در پویای تحولات سیاست خارجی کشورهای ضعیف را، نیز رد کرده است. در این مقاله با استفاده از اصطلاح بایکوت، نقش متغیر اجتماعی در ماجرای تنباکو بررسی و این نتیجه حاصل شد که پویای سیاست خارجی ایران آن عصر، منابع ملی یا اجتماعی ایران به رهبری روحانیت به‌عنوان منبع قدرت ایدئولوژیک که پیوند بسیار گسترده‌ای با سایر منابع قدرت از جمله قدرت اقتصادی داشت، نه تنها به اولین تظاهرات ملی در خیابان‌های بخش عمده شهرهای ایران منتهی شد بلکه انحصار عملی و نظری تأثیرگذاری متغیرهای شخص و نظام بین‌الملل در تحلیل تحولات سیاست خارجی ایران را نیز شکست. تعمیم برخی چون بخش عمده نظریه‌های غربی متناسب با تحولات جوامع مورد بررسی به‌وجود آمده‌اند و تعمیم آن نظریه‌های غیربومی برای تحلیل تحولات سیاسی داخلی و خارجی ایران ناکارآمد و نارساست. اگرچه در این مقاله از اصطلاح بایکوت استفاده شد که حتی نام یک مقام سیاسی

انگلیسی و مستخرج از تاریخ تحولات آنهاست؛ اما این مفهوم نمی‌تواند در انحصار آنها باشد؛ زیرا آنچه ذیل عنوان بایکوت انجام شده، در جوامع دیگر بسیار مسبوق بوده و هم اینکه در جریان لغو امتیاز تنباکو اصولاً هیچ آگاهی از مفهوم انگلیسی بایکوت در میان ایرانیان وجود نداشت. بررسی ماجرای لغو امتیاز تنباکو، از یک‌سو نشان‌دهنده عمق تحولات سیاسی ایران و تأثیرگذاری متغیرهای گوناگون در سیاست‌گذاری خارجی آن است و از سوی دیگر تأخیر مفهوم‌سازی در قبال این تحولات گسترده را در جامعه علمی ایران و کشورهای مشابه نشان می‌دهد. با چنین رویکردی می‌توان حتی در رویکرد انتقادی به برخی مفاهیم که در تحلیل تحولات سیاست خارجی ایران و کشورهای هم‌عرض وجود دارد، ادبیات بومی در عرصه دانش سیاست را تقویت کرد.

کتابنامه

- آدمیت، فریدون (۱۳۶۰). *شورش بر امتیازنامه رژی*. تهران: پیام.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۴). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- اصفهان‌کی کربلایی، شیخ حسن (۱۳۸۲). *تاریخ دخانیه یا تاریخ وقایع تحریم تنباکو*. به کوشش: رسول جعفریان، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- براون، ادوارد (۱۳۷۶). *انقلاب مشروطیت ایران*. ترجمه مهدی قزوینی، تهران: کویر.
- توکلی، فائزه؛ بیگدلی، علی و احمدی، نعمت (۱۴۰۲). حضور زنان در جنبش‌های اجتماعی از بلوای سیاسی نان تا جنبش مشروطه (۱۲۰۹-۱۲۶۸ هجری شمسی). *تحقیقات تاریخ اقتصادی ایران*، ۱۲(۱)، ۵۱-۷۶.
- تیموری، ابراهیم (۱۳۵۸). *تحریم تنباکو*. تهران: انتشارات کتاب‌های جیبی.
- جمالزاده، ناصر (۱۳۸۴). *علمای شیعه در عصر مشروطه و انگاره سلطه غرب*. نشریه دانش سیاسی، ۱(۱)، ۴۴-۶۶.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد و محمدیان، محمد (۱۳۹۷). منابع قدرت اجتماعی، ساختار دولت و روابط خارجی قاجار. نشریه دانش سیاسی، ۱۴(۱)، ۹۱-۱۱۶.

حسین، کامیلیا (۲۰۲۴). اسرائیل تحت حصار المقاطعه.. کیف فعلناها نحن العادیون؟ الجزیره نت:

<https://www.aljazeera.net/ebusiness/2024/12/29/%D8%A7%D9%84%D9%85%D9%82%D8%A7%D8%B7%D8%B9%D8%A9-%D9%83%D9%8A%D9%81-%D9%86%D8%AC%D8%AD%D8%AA-%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%88%D9%85%D8%A9-%D8%A7%D9%84%D9%86%D8%A7%D8%B3>

درخشه، جلال و کاظمی، سید محمدصادق (۱۳۹۵). تحلیل قدرت در اندیشه سیاسی آیت‌الله میرزای شیرازی. نشریه دانش سیاسی، ۱۲(۲)، ۲۹-۵.

رضضانی، روح‌الله (۱۳۹۵). چهارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.

رضضانی، روح‌الله (۱۴۰۲). تاریخ سیاست خارجی ایران. ترجمه روح‌الله اسلامی و زینب پزشکیان، تهران: نشر نی.

رنجبر کرمانی، علی‌اکبر و آذری شهرضایی، رضا (بی‌جا). تنباکو، نهضت، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی نویسنده مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد ۴.

سادات شریفی، فرید و دیگران (۱۴۰۰). واکاوی قدرت ایدئولوژیک در دوران قاجار از دیدگاه منابع قدرت اجتماعی مایکل مان. تغییرات اجتماعی - فرهنگی، ۴(۱۸)، ۶۷-۸۵.

کرزن، ن. جرج (۱۳۶۹). ایران و قضیه ایران. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۸۴). تاریخ بیداری ایرانیان. تهران: امیرکبیر.

کسروی، احمد (۱۳۸۴). تاریخ مشروطه ایران. تهران: انتشارات نگاه.

کشاورزی، بهزاد (۱۳۷۹). تشیع و قدرت در ایران. ج ۱، پاریس: خاوران.

متی، رودی (۱۳۸۹). تنباکو در ایران. ترجمه حسن زندیه و فاطمه عباسی، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ۱۱(۴۲)، ۱۷۱-۱۹۲.

مجاهد، فرهنگ و دیگران (۱۳۹۷). طراحی مدل مفهومی الزامات استفاده از ابزار تحریم در پیشبرد اهداف سیاست خارجی ایالات متحده. فصلنامه اقتصاد دفاع و توسعه پایدار، ۳(۸)، ۷۳-۹۴.

مخبرالسلطنه (۱۳۶۳). مهدی قلی هدایت، گزارش ایران. تهران: نقره.

مرشدی‌زاد، علی؛ کشاورز شکری، عباس و احمدپور ترکمانی، بابک (۱۳۸۹). بسیج و اقدام سیاسی در نهضت تنباکو (۱۲۶۹-۱۲۷۰). نشریه دانش سیاسی، ۲(۶)، ۱۷۷-۲۰۶.

نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی بی‌طرفی و روانشناسی انزوایگرائی در تاریخ دیپلماسی ایران. تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.

نیکی، کدی آر. (۱۳۵۸). تحریم تنباکو در ایران. ترجمه شاهرخ قائم‌مقامی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

هیدجی، حکیم حاج ملامحمد علی (۱۳۸۵). رساله دخانیه. به اهتمام علی‌اکبر ولایتی، تهران: مرکز اسناد و خدمات پژوهشی، وزارت امور خارجه.

References

- Abrahamian, Ervand (2025). *Iran bain-e do enghelab [Iran Between Two Rvolutions]*, translated by Ahmad Golmohammadi and Ebrahim Fattahei [In Persian]. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Adamiyat, Fereydoun (1360 SH / 1981 AD). *Shuresh Bar Emtiyazname-ye Regi [Revolt Against the Rèlement Tobacco]*, Tehran: Payam. (In Persian)
- Ayar, Başaran (2017). Boycott as a Political Tool; 1890 Tobacco Protests in Qajar Iran and 1908, Austrian Boycotts in the Ottoman Empire, Theoretical Background.
- Brone, Edward (1997). *Tarikhe-e Mashrootiat-e Iran the Constitutional Revolution in iran*, translated by Mehri Ghazvinei, Tehran: Kavir Publishing. (In Persian)
- Curzon, N. George (1990). *Iran va ghazieh [Iran Persia and The Persian Question]*, translated by Gh. Wahid Mazandarani. Tehran: Scientific & Cultural Publication Copany, 3rd edition. (In Persian)
- Davis, Lance and stanley Higerman, Flistory Lessons (2008). Sanctions: Neither Wanor Peace. *Journal of Economic Perspectives*, 17(2).
- Derakhsha, Jalal & Kazemi, Seyed Mohammad Sadegh (1395 SH / 2016 AD). *Tahlil-e Ghodrat dar Andishe-e Ayatollah Mirza-ye Shirazi [Analysis of Power in the Political Thought of Ayatollah Mirza Shirazi]*, *Political Knowledge Quarterly*, 12(2), 5–29. doi: 10.30497/pk.2017.1923. (In Persian)
- Esfahani Karbalaie, Sheikh Hassan (1382 SH / 2003 AD). *Tarikhe Dokhaniye Ya Tarikh Tahrrim-e Tanbakoo [History of Tobacco or the History of the Tobacco Protest]*, edited by Rasul Jafariyan, Tehran: Center for the Documents of the Islamic Revolution. (In Persian)
- Feldman, David (2019). *Boycotts Past and Present From the American Revolution to the Campaign to Boycott Israel*. Palgrave Macmillan.
- Haji Yousefi, Amir Mohammad & Mohammadian, Mohammad (1397 SH / 2018 AD), Manabe-e Ghodrate Ejtemaei: Sakhtar-e Dolat va Ravabbet-e Kharejii-e Ghajar [Sources of Social Power, State Structure, and Foreign Relations in the Qajar Era], *Political Knowledge Quarterly*, 14(1), 91–116. doi: 10.30497/pk.2018.2346. (In Persian)
- Hedji, Hakim Hajj Molla Mohammad Ali (1385 SH / 2006 AD). *Resale_ye Dokhani-ye [Tobacco Treatise]*, edited by Ali Akbar Velayati, Tehran: Center for Documents and Research Services, Ministry of Foreign Affairs. (In Persian)
- Hosseini, Kamelia (1446 AH / 2024 AD). *Esrraeil That-al Hesar Al-Moghtea: Kayfa Faalna Nahno Adiyoon [Israel under the Siege of Boycott: How Ordinary People Made It Work]*, Al Jazeera Net,

- <https://www.aljazeera.net/ebusiness/2024/12/29/%D8%A7%D9%84%D9%85%D9%82%D8%A7%D8%B7%D8%B9%D8%A9-%D9%83%D9%8A%D9%81-%D9%86%D8%AC%D8%AD%D8%AA-%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%88%D9%85%D8%A9-%D8%A7%D9%84%D9%86%D8%A7%D8%B3>. (In Arabic)
- Jamalzadeh, Nasser (1384 SH / 2005 AD). *Olamaye Shie dar Asre Mashroute va Engare-ye Solte-ye Gharb* [Shia Scholars during the Constitutional Era and the Concept of Western Domination], *Political Knowledge Quarterly*, 1(1), 44–66, doi: 10.30497/pk.2005.76. (In Persian)
- Kasravi, Ahmad (1384 SH / 2005 AD). *Taikh-e Enghelab-e Mashroote-ye Iran* [History of the Iranian Constitutional Revolution], Tehran: Negah Publishing. (In Persian)
- Kazemi, R. (2014). The Tobacco Protest in Nineteenth-Century Iran: The View from a Provincial Town. *Journal of Persianate Studies*, 7(2), 251-295. <https://doi.org/10.1163/18747167-12341274>
- Keddie, Nikki R. (1980). *Tahrim-e Tanbakoo in Iran* [The Tobacco Protest in Iran], translated by Sgahrokh Ghemmaghamei. Tehran: Jibi Books Publishing, 2nd edition. (In Persian)
- Kermani, Nzem al islam (2005). *Tarikhe-e Bidri-ye- Iranian* [History of the Iranian Awakening], Tehran: Amir kabir Publishing, 7th edition. (In Persian)
- Keshvarzi, Behzad (2000). *iii iite ddd Pwver in rrmn* [Tashayoe va ghodrat dar iran], Paris: khavaran. (In Persian)
- Matthee, Rudi (1389 SH / 2010 AD). *Tanbakoo dar Iran* [Tobacco in Iran], translated by Hassan Zandieh and Fatemeh Abbasi, *Foreign Relations History Quarterly*, 11(42), 171–192. (In Persian)
- Moaddl, M. (1992). SHi,I Political Discource and Class Mobilization in the Tobacco Movement of 1892-1890. *Sociological Forum*, 7(3), 447-468.
- Mojahid, Farhang & et al. (1397 SH / 2018 AD). *Tarahi-ya Model-e Mafhoomi-ye Elzamat-e Estefade az Tahrim dar Ahdaf-e Siyyasat-e Khaeji_ye Emrika* [Designing a Conceptual Model for the Use of Sanctions in Advancing the Foreign Policy Goals of the United States], *Defense Economics and Sustainable Development Quarterly*, 3(8), 73–94. (In Persian)
- Mokhber al-Saltaneh, Mehdi Qoli Hedayat (1363 SH / 1984 AD). *Gozaresh-e Iran* [Report on Iran], Tehran: Noghreh Publishing, 2nd edition. (In Persian)
- Morshidi Zadeh, Ali; Keshavarz Shakri, Abbas & Ahmadpour Torkamani, Babak (1389 SH / 2010 AD). *Basij va Eghdam-e siyyasi dar Tahrim-e Tanbakoo* [Mobilization and Political Action in the Tobacco Protest] (1269–1270 SH). *Political Knowledge Quarterly*, 6(2), 177–206, doi: 10.30497/pk.2011.13. (In Persian)
- Mottahedeh, Roy P. (1985). *The Mantle of the Prophet: Religion and Politics in Iran*. New York: Simon and Schuster.
- Mottahedeh, Roy P. (1985). *The Mantle of the Prophet: Religion and Politics in Iran*, New York: Simon and Schuster.
- Naghizadeh, Ahmad (1383 SH / 2004 AD). *Jame-e Shenasi-e Bitarafi va Eneva-garayi dar Tarikh-e Iran* [Sociology of Neutrality and Psychology of Isolation in the History of Iranian Diplomacy]. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publishing. (In Persian)
- Plano, Jack & Roy, Olton (1988). *The International Relations Dictionary*. Longman.

- Ramazani, Ruhollah (1395 SH / 2016 AD). *Chahachooob-i Tahlili Baraye Barrasi-ye Siyasat-e Khaeji-ye Jomhoori-ye Eslami—ye Iran* [An Analytical Framework for Examining the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran], translated by Alireza Tayeb, Tehran: Ney Publishing, 10th edition. (In Persian)
- Ramazani, Ruhollah (1402 SH / 2023 AD). *Taikh-e Siyasat-e Khareji-ye Iran* [History of Iranian Foreign Policy], translated by Ruhollah Islami and Zaynab Pazookian, Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Ranjbar Kermani, Ali Akbar and Azari Shahrezaei, Reza (n.d.). Jonbesh-e Tanbakoo [Tobacco Movement], *Encyclopedia of Islam*, (4), 1751. (In Persian)
- Rosenau, James N. (1971). *The Scientific Study of Foreign Policy*. New York: Free press.
- Rosenau, James N. (2006). *Study of World Politics: Volume I: Theoretical and Methodological Challenges*. New York: Routledge.
- Sadat Sharifi, Farid & et al. (1400 SH / 2021 AD). *Vakavi-ye Ghodrat-e Ideologik Dar Dore-ye Ghajar Az Didgah-e Manabe-e Ghodat-e Maikel Man* [The Analysis of Ideological Power during the Qajar Period from the Viewpoint of Michael Mann's Social Power Resources], *Social and Cultural Changes Journal*, 18(4), 67–85. (In Persian)
- Soudavar Farmanfarmaian, Fatema (2014). Revisiting and Revising the Tobacco Rebellion Iranian Studies, 47(4), 595-625.
- Stuart, Davis & Immanuel Ness (2022). *Sanctions as war: anti-imperialist perspectives on American geo-economic strategy*, Boston: Brill.
- Tavakoli, Faizeh Beigdeli, Ali & Ahmadi, Nemat (1402 SH / 2023 AD). *Hozoore Zanan dar Jonbesh-haye Ejtemaei az Balvaye Siasiyeh Nan ta Mashroute* [Women's Participation in Social Movements from the Political Bread Uprising to the Constitutional Revolution] (1209–1268 SH), *Iranian Economic History Research Journal*, 12(1), 51–76. (In Persian)
- Teymouri, Ebrahim (1358 SH / 1979 AD). *Tahrim-e Tanbakoo* [The Tobacco Protest], Tehran: Jibi Books Publishing, 2nd edition. (In Persian)
- Vanessa, Martin (2005). *The Qajar Pact: Bargaining, Protest and the State in Nineteenth-Century Persia*, London: I.B. Tauris & Co. Ltd
- Yunus, Mohd Yunus & et al (2020). The Concept of Boycott: A General Introduction. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 10(9), 962-971.